

Discours Markers in English & Persian Languages

Negar Momeni*

Discourse markers are related chain elements which classify the units of speech. These elements do not occur just in one specific language. Discourse markers with different applications are helpful to maintain the coherence of utterances. If they are omitted and not substituted by the appropriate phrase, conveying the message will be disordered. Therefore, the discourse markers are necessary in language and the speakers are unknowly aware of them. This research aims at introducing, defining and classifying different kinds of discourse markers, and their applications in Persian and English languages. The most important discourse markers in English are as follows: oh, I see, mhm, right, well... and in Persian are as follows: xob, ?han, rasti.... The most important applications of discourse markers are as follows: topic shift, clarification, showing the emotional status, prompting, stimulation to continue the speech, moving out of closing the speech and so on.

Key words: discourse marker, cohe

*M.A. graduate in Linguistics, tarbiat modarres University

نشانه‌های گفتمان در زبان فارسی و انگلیسی

نگار مومنی^۱

چکیده

نشانه‌های گفتمان عناصر زنجیره‌ای مرتبطی هستند که واحدهای گفتار را طبقه بندی می‌کنند. این عناصر مربوط به یک زبان خاص نمی‌شوند. نشانه‌های گفتمان با کاربردهای گوناگون در حفظ انسجام پاره گفتارها موثر هستند و در صورت حذف و عدم جایگزینی عبارت مناسب، در انتقال پیام خلل ایجاد می‌شود. از اینرو وجود نشانه‌های گفتمان از ضروریات زبانی است که هر گویشور ناخودآگاه به آن واقف است. روش تحقیق به صورت توصیفی است و از طریق گردآوری پیگروه‌های زبانی صورت می‌گیرد. هدف از این تحقیق معرفی و تعریف نشانه‌های گفتمان و طبقه بندی انواع و کاربرد آن در زبان‌های فارسی و انگلیسی است. مهمترین نشانه‌های گفتمان در زبان انگلیسی عبارتند از:

oh, I see, mhm, right, well. و در فارسی عبارتند از: خب، آهان، راستی...

مهمترین کاربرد نشانه‌ها در این دو زبان عبارت است از:

تغییر موضوع، شفاف سازی، نشان دادن احساسات، فعال کننده، تحریک برای ادامه سخن، گریز از ادامه سخن و غیره.

واژه‌های کلیدی: ۱- نشانه‌گر گفتمان، ۲- انسجام

۱- کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

۱- مقدمه

در زبان عناصری وجود دارند که باعث انسجام بیشتر متن و در نهایت درک بهتر آن می‌شود. این عناصر را نشانگرهای گفتمان می‌گویند. نشانگرهای گفتمان عناصر زنجیره‌ای مرتبطی هستند که واحدهای گفتار را طبقه‌بندی می‌کنند. در نتیجه بررسی نشانگر گفتمان تا حدی بررسی پیوستگی است یعنی چگونه گوینده به صورت‌ها و عملکردها به روش تعاملی در راستای ساخت معنا انسجام می‌بخشد. هدف از این پژوهش بررسی نشانگرهای فارسی و انگلیسی است که در این پژوهش به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

۱- تعریف نشانگر گفتمان

تعاریف متعددی برای نشانگر گفتمان ذکر شده است. استرو و استاب^۱ (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که نشانگر گفتمان واژه یا عبارتی است که اساساً به عنوان یک واحد ساختاری در زبان گفتار یا نوشتار عمل می‌کند، از اینرو ابزار مفیدی برای گویشوران است تا آنها بتوانند ارتباط منطقی و انسجام لازم در گفتمان نوشتاری یا گفتاری بوجود آورند. آنها در ادامه می‌گویند استفاده از نشانگر گفتمان، مکالمه‌های ما را طبیعی‌تر، مرتبط‌تر و واقعی‌تر می‌کند. اگر گویشور از نشانگر گفتمان استفاده نکند، گفتار روند طبیعی یک مکالمه صحیح را نخواهد داشت.

از نظر شفرین^۲ نشانگرهای گفتمان عناصر زنجیره‌ای مرتبطی هستند که واحدهای گفتار را طبقه‌بندی می‌کنند. واحدهای گفتار ساختار گفتمان را مطرح می‌سازد. ساختار یعنی لایه‌های خارجی / روساختی عناصر زبانی برای ساختن معنا. ساختار شامل ساختار نحوی و نشانه‌های زبانی است که هر کدام در توزیع معنا نقش دارند و در نتیجه یک متن پیوسته بوجود می‌آید. در نتیجه بررسی نشانگر گفتمان تا حدی بررسی پیوستگی است یعنی چگونه گوینده به صورت‌ها و عملکردها به روش تعاملی در راستای ساخت معنا انسجام

1- Stroh & Staab

2- Schiffrin

می بخشد. از نظر استنسترم (۱۹۹۴، ص. ۶۳) نشانه‌گر گفتمان برای سازماندهی حفظ نوبت و ایجاد مرز در گفتمان بکار می رود.

وارینگ (۲۰۰۳) در مورد نشانه‌های گفتمان نقش انسجام‌دهی را بیان می‌کند و با اشاره به نشانه‌گر گفتمان also ادامه می‌دهد که این نشانه‌گر [وسایر نشانه‌گرها] در اتصال و انسجام پاره گفتارها در متون منفصل نقش اساسی دارند. ریچاردز و همکاران (۱۹۹۲، ص. ۶۱) انسجام را اینگونه تعریف می‌کنند: انسجام به روابطی گفته می‌شود که معنای پاره گفتارهای موجود در یک گفتمان را به یکدیگر متصل می‌کنند.

نشانه‌های گفتمان در هر زبانی وجود دارد و می‌توان آنها را دسته بندی کرد و کارکرد آنها را ذکر نمود. آنها را بر اساس جایگاه در گفتمان و رفتارشان طبقه بندی می‌کنیم. استرو و استاب (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که بسیاری از نشانه‌های گفتمان غیر رسمی و مخصوص زبان گفتار هستند. مانند:

of course, to be honest, wait a minute or by the way

و برخی دیگر رسمی و مخصوص زبان نوشتار هستند مانند:

unquestionably, in conclusion, first of all or nevertheless

"زبان گفتار و نوشتار کاملاً یکسان، عملاً غیر قابل تحمل است. اگر ما همانند آنچه می‌نویسیم صحبت کنیم هیچ شنونده‌ای نخواهیم داشت و اگر همانند آنچه صحبت می‌کنیم بنویسیم خواننده‌ای نخواهیم داشت. زبان گفتار و نوشتار نباید به یکدیگر بسیار نزدیک باشند همانگونه که نباید از هم کاملاً دور باشند." تی. اس. الیوت^۱

بر اساس تحقیقات مختلف برای نشانه‌گر گفتمان اصطلاح‌های متفاوتی پیشنهاد شده است:

۱- عبارات عطفی

Conjunctive expressions (Halliday & Hasan 1976)

۲- ادات گفتمان	Discourse Particle(Labove & Fanshel 1977)
۳- عبارات ارجاعی گفتمان	Discourse Deictic Terms(Levinson 1983)
۴- آغازگرها	Gambits(Faerch & Kasper 1984)
۵- عناصر عاطفی گفتمان	Discourse Connectives(Blakemore 1987)
۶- نشانگر گفتمان	Discourse Markers(Schiffrin 1987, Frase 1990&Jucke 1993)
۷- گروه‌های اشاره‌ای	Cue Phrases(Knott & Sanders 1988)
۸- نشانگرهای کاربردی	Pragmatic Markers(Fraser 1990)
۹- عوامل گفتمان	Discourse Operators(Redeke 1991)
۱۰- عوامل کاربردی	Pragmatic operators(Ariel 1994)

در این تحقیق از اصطلاح نشانگر گفتمان استفاده شده است. همانگونه که استابز بیان می‌کند از ابتدا کاملاً واضح است که دستور جمله به طور با کفایت نمی‌تواند از عهده ارتباط برآید. در نتیجه نقش نشانگرهای گفتمان ایجاد ارتباط بین بخش‌های نحوی به یکدیگر است.

۲- طبقه بندی نشانه‌های گفتمان در زبان انگلیسی توسط استنسترم^۱

1- Backchannel: ah, oh, sure, quite, good heavens, of course, oh dear, oh God...

جهت دهنده: این نوع نشانه‌ها به منظور جهت دهی به احساسات گوینده مورد استفاده قرار می‌گیرند.

2-Follow up :right -

پیگیری: این نوع نشانه‌ها به عنوان تایید برای ادامه گفتگو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

3-Re opener: really

آغازگر مجدد: هنگامی که مکالمه رو به پایان است و گوینده می‌خواهد مکالمه پایان نگیرد از این نشانه‌ها استفاده می‌کند.

4- Call off :ok

صرف نظر کردن: گوینده زمانی از این نشانه‌ها استفاده می‌کند که قصد پایان دادن به مکالمه را دارد.

5-Uptake: oh, well, yes -

درک / فهم: گوینده زمانی از این نشانه‌ها استفاده می‌کند که قصد دارد به شنونده بگوید متوجه منظور او است.

6-Answer: no, right, sure, yes

پاسخ: این نشانه‌ها زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که گوینده قصد پاسخ گویی به شنونده را داشته باشد.

1-Stenstorm

7-Reply: I see, mhm, oh, right

واکنش: گوینده زمانی از این نشانگر استفاده می‌کند که قصد دارد به شنونده بگوید متوجه منظور اوست.

8-Closer: right

پایان دهنده: گوینده زمانی از این نشانگر استفاده می‌کند که قصد پایان دادن به مکالمه را دارد.

9-Emphasizer: That's right

تاکید: این نشانگر زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که گوینده قصد تایید گفتار طرف مقابل را داشته باشد.

10-Frame: all right, any way, now, ok, right

چارچوب: گوینده از این نشانگر استفاده می‌کند تا گفتار خود را در قالب درست قرار دهد بطور مثال به هنگام نتیجه‌گیری از آن استفاده می‌شود.

11-Appealer: all right, ok, Q-tag, right

تمنا/ اجبار: گوینده زمانی از این نشانگر استفاده می‌کند که قصد دارد طرف مقابل را به ادامه بحث مجبور نماید.

۳- کاربرد نشانگرهای گفتار از نظر استرو و استاب

استرو و استاب با الهام گرفتن از آثار شفرین (۱۹۸۷) و آجیمر^۱ (۲۰۰۲) کاربرد نشانگرهای گفتمان را به چهار دسته تقسیم می‌کنند:

۱. نشانگرهای گفتمان متنی^۲: این نوع نشانگرها روند و روابط منطقی را به روشنی مشخص می‌کنند، همچنین نشان می‌دهند چگونه قسمت‌های مختلف آنچه می‌گوییم یا می‌نویسیم به یکدیگر مرتبط می‌شوند. مانند:

1- Ajimer

2-textual Discours Markers

In addition , however , actually , on the whole, Firstly, Secondly, Thirdly.

۲. نشانه‌های گفتمان سازمانده در مکالمه^۱: این نوع نشانه‌ها مکالمه را سازماندهی می‌کنند، یعنی مکالمه را نوبت بندی می‌کنند، به این معنا که در مکالمه نوبت چه کسی است و آن فرد چه موقع باید صحبت کند مانند:

Right, Well, Any way, By the way, You know

۳. نشانه‌گر گفتمان ابتدایی / اولیه^۲: این نوع نشانه‌ها بر چگونگی واکنش خواننده یا شنونده اثر می‌گذارد مانند:

I'm afraid ,Sorry, But To be perfectly honest, When it really comes down to it (= this is what I really believe)

۴. نشانه‌های گفتمان وضعیتی / نگرشی^۳: این دسته از نشانه‌ها نگرش ما را به آنچه می‌گوییم یا می‌نویسیم بیان می‌کنند و هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرند که بخواهیم در مورد محتوای آنچه می‌گوییم یا می‌نویسیم اظهار عقیده کنیم. یعنی در مورد محتوا مبنی بر قابل پیش بینی یا غیر قابل پیش بینی بودن آن قضاوتی داشته باشیم. مانند:

Of course, Surprisingly, Oddly-enough, Hopefully, Regrettably, As might be expected

۴- نشانه‌های گفتمان در زبان انگلیسی

در اینجا به بررسی نشانه‌های گفتمان Oh, Well, Ah, Hmm می‌پردازیم:

۴-۱- نشانه‌گر oh

این نشانه‌گر در زبان انگلیسی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد که در اینجا سعی می‌شود به مهمترین آنها اشاره شود. استفاده از oh بر اساس ضرورت دستوری یا معنایی صورت نمی‌گیرد بلکه صرفاً برای پر کردن یک جایگاه خالی در گفتمان انجام می‌شود

1- Conversation Management Discourse Markers

2- Preparatory Discourse Markers

3-Attitude Discourse Marker

Exclamation ۱-۱-۴-۱-۴

A: Was that a serious picture?

B: Oh! Gosh yes!

۲-۱-۴-۲-۱-۴-جایگاه احساس (برای نشان دادن ترس یا شگفتی بکار می رود)

Emotional status

A: Like I'd say, what d'y' mean you don't like classical music?

B: Oh! I can't stand it! It's draggy.

۳-۱-۴-۳-۱-۴-مدیریت اطلاعات / رد و بدل اطلاعات

Information management task

A: Oh, well they came when they were a year -

B: I see

Repair ۴-۱-۴-۴-۱-۴-اصلاح

Oh در موارد مختلف برای اصلاح جمله بکار می رود. در مثال زیر Oh به عنوان خود اصلاحی^۱ بکار رفته است. در این مثال سه شخص A,B,C در حال گفتگو هستند. شخص C به دو نفر دیگر گفت که به چه دبیرستانی می رفت اما شخص A متوجه نشده است و سؤال می کند. شخص B پاسخ اشتباه می دهد اما متوجه اشتباه خود می شود و با اضافه کردن Girl's High پاسخ خود را اصلاح می کند، که این اصلاح همزمان با پاسخ شخص C صورت می گیرد.

A: Did you go to Olney?

B: Yeh: oh no![Girls high!]

C: [No Girl's High. Girl's High]

۴-۱-۵- شفاف سازی Clarification

گاهی این نشانگر برای شفاف کردن پیام بکار می‌رود. در اینجا شخص B با توضیح بیشتر پاسخ را شفاف‌تر می‌کند.

A: Is there anyone you would uh: talk [about-]?

B: Oh you mean out side?

A: Yeh outside the home.

۴-۱-۶- تقاضا برای اطلاعات Question and Answer

Oh در برخی موارد در پرسش و پاسخ بکار می‌رود. در برخی موارد مسائل مبهمی در پیام وجود دارد که گوینده خواستار اطلاعات بیشتر است. گوینده این تقاضا را با یک نشانگر گفتمان انجام می‌دهد. در این حالت این نشانگر در ابتدای پاره گفتار بکار می‌رود.

A: Is it safe?

B:Uh:we found a safe way!But it's the long way!

A:Oh it's a special way?

۴-۱-۷- پاسخ دهی Answer

در برخی موارد oh در جواب بکار می‌رود. در این حالت، این نشانگر در آغاز پاره گفتار ظاهر می‌شود. در این حالت که این نشانگر مورد استفاده پاسخگو قرار می‌گیرد مخاطب خود را برای پاسخ به پرسش موظف می‌داند.(شفرین، ۱۹۸۷: ۸۷)

A: How can I get an appointment t'go down there t' bring my son on a tour?

B: Oh I didn't even know they gave tours! I'm not the one t'ask about it.

۴-۱-۸- تصدیق Acknowledge the Answer

گاهی این نشانگر در پاسخ، هنگامی بکار می‌رود که پاسخ یا بخشی از آن مورد تأیید دریافت کننده پیام قرار گیرد.

- A: So what, you have three kids?
 B: I have four.[Three boys] and a girl.
 A: [Four kids.]Oh I didn't know that.

Subjective Orientation

۹-۱-۴-جهت دهی ذهنی

(evaluative judgment of others' utterances)

شفرین (۱۹۹۹: ۲۸۴) یک کاربرد دیگر oh را بیان می کند. وی اشاره می کند که oh برای تغییر در جهت دهی ذهنی مورد استفاده قرار می گیرد. به بیان دیگر با استفاده از این نشانگر در مورد پاره گفتار دیگران قضاوت می کنند. در این مثال شخص B با oh احساسات خود را بهتر بیان می کند.

A: Well I think there's a lot of competition between girls. In an all girls school. More than well-more academically any way.

B: Oh yes. Oh yes. They're better students I do believe that.

استرو و استاب (۲۰۰۶) به نقل از آییمر (۲۰۰۲) و شفرین (۱۹۸۷) کاربرد oh یا ah را اینگونه بیان می کنند:

این نشانگرها به هنگام پاسخ دهی بکار می روند

- تغییر در جهت گیری گوینده: به صورت صوت، بیان افکار، به عنوان واکنش در مورد اطلاعات بکار می روند.

- معنایی که به اظهار تعجب مرتبط می شوند: در موقعیتهای پرسش و پاسخ رخ می دهد.

۲-۴- نشانگر گفتمان Well

Well در برخی موارد به صورت قید و برخی موارد به صورت اسم بکار می رود. هرچند هالیدی و حسن (۱۹۷۶) بیان کردند که نشانگرهای گفتمان نقش انسجامی را ایفا می کند و بنابراین می تواند جایگزین مقوله های حرف ربط بشوند. در رابطه با جایگاه معنایی این نشانگر،

بلک مر^۱ (۱۹۹۲) نظریه ارتباط^۲ مطرح کرد. پیش از او این نظریه به نوعی توسط اسپربر^۳ و ویلسون^۴ (۱۹۸۶) مطرح شد آنان عقیده داشتند: " نشانه‌های گفتمان ارتباط بین گزاره‌ها را برقرار می‌کنند. به نظر می‌رسد این نشانه‌ها فاقد ارزش دستوری یا معنایی هستند و استفاده از آنها تنها به درک شنونده کمک می‌کند. "

Well در ابتدای پاره گفتار ظاهر می‌شود و به عنوان یک صوت^۵ یا پرکننده^۶ شناخته می‌شود. به علاوه این نشانگر به عنوان ابزاری پیش از پایان گفتار بکار می‌رود و به شرکت‌کننده‌ها در مکالمه اجازه می‌دهد تا موضوع جدیدی را شروع کنند یا موضوع قبلی را مجدداً صورت بندی نمایند.

در اینجا به کاربردهای Well اشاره می‌شود.

Well - ۱-۲-۴ به هنگام مکالمه در موارد زیر کاربرد دارد.

الف - سوال و جواب Question-Answer Pair

شاید بتوان گفت بیشترین کاربرد این نشانگر در سوال و جواب به صورتهای مختلف بکار می‌رود:

۱- برآورده کردن انتظارات پرسشگر

Questioner's realm of expectation

گاهی در سوال و جواب ، well مورد استفاده قرار می‌گیرد، یعنی این نشانگر در حوزه انتظارات پرسشگر وجود دارد. گویی پرسشگر منتظر شنیدن این نشانگر از سوی شنونده است.

A: That's quite a neighborhood, isn't it?

B: Yeh well I don't have too much trouble.

-
- 1-Black More
 - 2-Relevance Theory
 - 3-Sperber
 - 4-Wilson
 - 5-interjection
 - 6-filler

Introductory Phrase**۲- عبارت پیش گفتاری**

گاهی این نشانگر به عنوان مقدمه یا پیش گفتار عمل می کند. در این حالت این مقدمه فرا زبانی است.

A: Suppose you were having a problem though like with your kids or something you just didn't know what to do? Who would you go to talk to?
Y' mean y' wouldn't...
B: Well, I figure this way. Why can't I – why can't I talk to my own family?

۳- پاسخ به پرسش در یک داستان**Answering a question in a story**

A: What happened?
B: Well...at one time he was a very fine doctor. And he had two terrible tragedies.

Uncertainty**ب- نشان دادن عدم قطعیت**

شفرین (۱۹۷۸ : ۱۱۴) اذعان داشت این نشانگر بیشتر هنگامی بکار می رود که شنونده احساس کند چیزی را می خواهد بگوید که خواسته گوینده را برآورده نمی کند یا در مورد آنچه می گوید مطمئن نیست.

A: Do you think you get more common sense as you grow older.
B: [No] well, no. Uh...if you have it, you have it.

۴-۲- Well در متون یا گفتار حکایتی

Well به عنوان یک نشانگر، ارتباط نظرات در یک متن روایتی^۱ را فراهم می کند. لیکاف^۲ (۱۹۷۳)، نوریک^۳ (۱۹۹۸، ۲۰۰۱)، شراب^۴ (۲۰۰۱) معتقدند برای شروع داستان، پایان بردن داستان، آغاز یک بخش جدید در یک داستان و آغاز مجدد روند اصلی داستان به هنگام انحراف

1-narrative
2-Lakoff
3-Norrick
4-Schorup

از موضوع اصلی بکار می‌رود. در مثال زیر و انواع دیگر آن شفرین معتقد است که این نشانگر برای حفظ وحدت یا انسجام متن بکار می‌رود. (نوریک، ۲۰۰۱: ۵۴-۸۵۳)

A: Something I wanna go back to. I acquired an absolutely magnificent sewing machine by foul means. Did I tell you about that?

B: No

A: Well, when I was doing freelance advertising. The advertising agency that I sometimes did some work for rang me.

Or

A: So my dad crated-up these two little puppies and shipped them from Missouri to Florida, to this man. And reminded him, "be sure you chain the puppies up". Well about, seven eight months later, here those two dogs return to Missouri.

برخی موارد به علت مداخله موضوعی، بحث از یک موضوع به یک زیر موضوع منحرف می‌شود و موضوع جدیدی آغاز می‌شود، در حالی که موضوع قبلی در جریان است. این نشانگر برای بازگشت به موضوع اصلی بکار می‌رود. در مثال زیر، موضوع در مورد قوطیهای پنیر است و با یک زیر موضوع (موش) بحث منحرف شد و با این نشانگر به موضوع اصلی بازگشت.

A: It was twice. And the first time. There's a rat in there, there's a big mouse in there. I saw it.

B:[@@@]

A: no. there's nothing in there. Yes. I saw it.

B: I wouldn't believe her.

C: Well I went out, Remember.. And set the bag-it was a bag of cans. That was when we were looking for the golf ball. Cause you hit the ball in the can.

Well Epistemic Well -۲-۴ شناختی

در کنار تمام کاربردهای معنایی و کاربردی که برای well ذکر کردیم، این نشانگر شامل ویژگی‌های منظوری^۱ است که با قیود مختلف مانند frankly و عناصر ربطی مانند so بکار

1-illocutionary properties

می رود. این نشانگر در ذهن گویشور با اصواتی چون wow, ouch مرتب شده است. (شراب، ۲۰۰۱: ۱۰۲۵).

"کنشهای منظوری به کنشهای گفتمانی گفته می شود که به علت ماهیتی که دارند گویی توسط گویشور انجام می شود مانند قول دادن." (کریستال، ۱۹۹۲: ۱۸۱) و گویشور نیز گویی با گفتن این نشانگر عملکرد خاصی را نشان می دهد مانند اظهار تعجب، عدم رضایت و...
الف- این نشانگر گاهی مانند اصوات عمل می کند.

This is well, unexpected=This is wow unexpected

ب- گاهی برای نشان دادن تعجب بکار می رود.

A: Well, look where's here!

پ- نشان دادن عدم رضایت Dissatisfaction

وضعیتی را فرض کنید که در یک مهمانی منتظر کسی هستید و او با تاخیر وارد می شود در این حالت می گویند:

A: well

ت- عملکرد هما نند So

So, after all it's my turn= well, after all it's my turn.

۳-۴- نشانگر گفتمان Hmm

استرو و استاب (۲۰۰۶) بیان می کنند Hmm یکی از نشانگرهای گفتمان است و در ادامه می افزایند این نشانگر کاربردهای زیر را دارد:

- به حفظ نوبت در مکالمه کمک می کند، به عنوان پرکننده، ادات و عامل تردید بکار می رود^۱.

۲- می توان گفت این نشانگر معادل ام.م در فارسی است که یک پرکننده (filler) محسوب می شود و جزء عوامل تردید یا عدم قطعیت در گفتار به حساب می آید. برای مطالعه بیشتر در مورد عوامل تردید رجوع شود به پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده ۱۳۸۴ و پایان نامه کارشناسی ارشد مهدی پور، مرجان، ۱۳۷۸.

A: I wanted to say it is a hmm good idea.

B: That is right.

در اینجا شخص A با گفتن این نشانگر نه تنها شخص B را منتظر نگاه می‌دارد و نوبت در مکالمه را برای خود حفظ می‌کند، بلکه از یک نوع عامل تردید نیز استفاده می‌کند.

۴-۴- نشانگر گفتمان Mind you/ Mind

دیوید بل (۲۰۰۴) Mind you/ Mind را به عنوان نشانگرهای گفتمان معرفی می‌کند و ادامه می‌دهد که Mind you/ Mind به دو صورت عمل می‌کنند. دیوید بل ابتدا از آنها به عنوان یک نشانگر تاکیدی غیر حذفی^۱ یا تاکید کننده^۲ یاد می‌کند. در این حالت این نشانگرها توجه شنونده را از طریق حالت امری به سمت تکرار اطلاعات یا بسط اطلاعاتی معطوف می‌کند که در گفتمان به آن اشاره شده است. دومین کاربرد آن که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد این است که Mind you/ Mind به صورت نشانگر گفتمان حذفی غیر توافقی^۳ بکار می‌رود. در این حالت ناگهان Mind you/ Mind مرکز توجه گفتمان را از محتوای اندیشگانی^۴ دور می‌کنند و به سمت پروسه ساخت گفتمان پیش می‌برند و این کار را از طریق شفاف سازی معنای گوینده انجام می‌دهند. معنای گوینده در واقع پروسه گفتمان را شکل می‌دهد و الزام یا تعهد گوینده را نسبت به مباحث قبلی تغییر می‌دهد. در این حالت استفاده از Mind you غیر برنامه ریزی شده و ناگهانی صورت می‌گیرد، بنا براین، این نشانگر در گفتمان نوشتاری رسمی بکار نمی‌رود. دیوید بل ادامه می‌دهد که در پیکره زبانی مورد مطالعه او بیشترین کاربران این نشانگر نویسندگان ورزشی هستند.

1- non-cancellative emphatic marker

2- highlighter

3- non-concessive cancellative discourse marker

4- ideational content

محتوای اندیشگانی مربوط به (transactional function) زبان است که در آن زبان در خدمت بیان نقش القایی/ارجاعی محتوای مطلب است.

۴-۵- موضوع در مکالمه

یکی از جنبه‌های مرتبط در نوبت دهی موضوع است که در زبان، محتوا بنیاد می‌باشد. یک موضوع روند مرحله وار دارد. در اینجا این سلسله مراحل و برخی نشانگرهای گفتمان که به عنوان آغاز یک موضوع برای مرحله اول بکار می‌روند ذکر شده است.

۴-۵-۱- استنباط نخستین Initial elicitor

Allright ,right ,well ,by the way

۴-۵-۲- استنباط میانی Mid- elition

بسته به موضوع انواع نشانگرها می‌توانند بکار روند.

۴-۵-۳- ارجاعات حمایتی Back references

Ya, That is right, ?ohum...

۴-۵-۴- گریز از پایان دادن به مکالمه Moving out of closing

well,...

در برخی موارد ممکن است در هنگام مکالمه، یکی از گویشوران از موضوع اصلی منحرف شود. در این هنگام این گویشور از نشانگرهای خاصی استفاده می‌کند که برخی از این نشانگرها عبارتند از:

Incidentally, I mean, as a matter of fact...

A: ... We did not wrap up for you.

B: Oh incidentally.. you know about Malcom.. putting his.. dislocating his shoulder.

۴-۶- فعال کننده/ اجبار Prompting

در برخی موارد یک طرف مکالمه با یک سری اشارات یا اعمالی از سوی طرف مقابل مجبور می‌شود به صحبت ادامه دهد. در این هنگام این فرد از یک سری نشانگرها استفاده می‌کند تا

طرف مقابل ناگزیر به ادامه صحبت باشد. این نشانه‌ها را نشانه‌های تمنا^۱ می‌نامند. برخی از این نشانه‌ها که نقش فعال‌کننده یا به نوعی اجباری را ایفا می‌کنند عبارتند از:

All right, right, okay, you know, you see and tag questions

این نشانه‌ها معمولاً با آهنگ خیزان همراه هستند. (استسترم، ۱۹۹۴: ۷۹-۸۰)

۴-۶-۱- یکی از کاربردهای فعال‌کننده‌ها سازماندهی نوبت در مکالمه است به مثال زیر توجه کنید:

A: Well, have we decided then the grand tour?

B: Yes

A: You're staying here are you?

B: Uh...yes. We've got to do a grand tour.

۵- نشانه‌های گفتمان در فارسی

زبان فارسی نیز مانند زبان‌های دیگر دارای نشانه‌های گفتمان است که در مکالمات روزمره بکار می‌رود. در این قسمت به معرفی و بررسی تعدادی از نشانه‌های گفتمان در فارسی می‌پردازیم.

ham=also, chiz=thing, rasti=by the way, mi-gam=say...

برخی از نشانه‌های زمان^۲ در فارسی عبارتند از:

hala=now, ba?dan=then

شاید بتوان ادعا کرد که مهمترین نشانه‌گر گفتمان در فارسی واژه "chiz" است. در اینجا

به چند کاربرد آن اشاره می‌کنیم:

مکالمات فارسی دارای ابزارهای مصداق‌مانندی^۳ هستند که برای فعال کردن دیگر

مصداق‌ها بکار می‌روند. این نشانه‌های فارسی خود مصداق نیستند بلکه دارای فرایندی هستند

1-appealer

2-temporal markers

3-referent-like devices

که برای یک مصداق مقدمه چینی می کنند. chiz یکی از ابزار های مصداق مانند است که برای معرفی یک مصداق مقدمه چینی می کند و زمینه را فراهم می نماید. chiz کاربردهای فراوانی دارد که به چند نمونه آن اشاره می شود.

۵-۱- نشانگر گفتمان chiz

۵-۱-۱- فعال سازی مصداق Referent-stimulation

chiz به عنوان فعال کننده یک مصداق بکار می رود و در واقع این نشانگر نقش تحریک کننده دارد و شنونده را تشویق و تحریک می کند که به مکالمه گوش دهد. به این وضعیت "تحریک یا فعال سازی مصداق"^۱ می گویند. این نشانگر با این کاربرد نه تنها به شنونده کمک می کند تا مصداق مناسب را در ذهن خود بیابد، بلکه این فرصت را برای شنونده فراهم می کند تا این مصداق را در ذهن جای دهد. این روند با اصل گرایس^۲ همخوانی دارد. این رویداد یک مکالمه دو طرفه است که دو مرحله دارد؛ در مرحله اول معرفی و زمینه سازی (هنگامی که کلمه "چیز" را به زبان می آوریم) و در مرحله دوم شناسایی مصداق مناسب صورت می گیرد. می توان ادعا کرد با دو اصل ارتباط^۳ و روش^۴ گرایس بیشتر همخوانی دارد. با اصل ارتباط همخوانی دارد، زیرا در این اصل آنچه به زبان می آید باید با موضوع مرتبط باشد و نشانگر گفتمان چیز و در نهایت مصداق مورد نظر با موضوع مرتبط است در غیر این صورت شنونده قادر نخواهد بود پیام را درک کند. اصل ارتباط بیشتر در مرحله اول (هنگامی که کلمه "چیز" را به زبان می آوریم) اتفاق می افتد. با اصل روش مرتبط است زیرا این اصل بیان می کند از ابهام پرهیزید. این اصل در مرحله دوم پیاده می شود. (مصداق شناسایی می شود و از نامفهوم بودن پیام جلوگیری به عمل می آید.)

A: man chiz ha ro jam?- kar-d-am

-
- 1-referent-stimulation
 - 2- co-operative maxim
 - 3-relevance
 - 4-manner

-
-
- I thing PL¹. AC².case gather-did-past MP³- 1 SG⁴.-AG⁵
 - I gathered things.

A': ketab ha ro jam?- kar-d-am
• book plural AC.case gather-did- past MP-1 SG.-AG
• I gathered the books.

A: ye chiz-i dar-im
• one thing-indefinite article have-1 PL.
• We have one thing.

A': ye maqale dar-im
• one article have-1 PL.
• We have one article.

۵-۱-۲- تغییر موضوع Topic shift

این نشانگر گاهی با تغییر موضوع بکار می رود که البته این تغییر می تواند از یک موضوع به موضوعی کاملاً جدید یا از یک موضوع به یک زیر موضوع باشد.

در مثال زیر ابتدا بحث از یک نامه است که شخصی آن را به دوست خود داده است تا تحویل اداره پست دهد و در مرحله دوم موضوع جدیدی مطرح می شود که در مورد خرید یک کتاب است.

A: hatman ye tarix-i dare ?oun name
definitely a date- indefinite article have-ZMP⁶ that letter
That letter definitely has a date.

-
- 1-plural
 - 2-accusative case
 - 3-morpheme
 - 4-first singular
 - 5-agreement
 - 6-zero morpheme

A: rasti	chiz	ro	xar ¹ -id-i
by the way	discourse marker	AC.case	buy- past MP-2SG
By the way, did you buy that book?			

این نشانگر دارای نقش ارتباطی و شناختی است؛ نقش ارتباطی دارد زیرا این نشانگر باعث تعامل بین گوینده و شنونده می شود تا انتظار افراد دخیل در مکالمه در جهت باز خوانی مصداق برآورده شود. هنگامی که این نشانگر بکار می رود، دانش مشترک گفتمانی این همکاری دو جانبه را تداوم می بخشد. این نشانگر نقش شناختی دارد زیرا گوینده از این نشانگر به عنوان یک عامل ذهنی استفاده می کند تا خود و شنونده را وارد مرحله بعدی نماید که همان باز خوانی مصداق است.

۵-۲- نشانگر گفتمان ham

این نشانگر مانند chiz برای فعال سازی مصداق بکار می رود. اما علاوه بر این کاربرد، ham برای نشان دادن مقایسه بین دو یا چند چیز بکار می رود. در مثال زیر، گوینده از ham استفاده کرده است تا قیاس بین مخاطب و دیگر افراد مورد بحث را نشان دهد. به این کاربرد، کاربرد قابل قیاس^۲ گویند. لازم به ذکر است که منظور از قیاس^۳ ذکر شباهت‌ها و نقاط مشترک بین دو یا چند چیز است و منظور از تقابل^۴ ذکر نقاط غیر مشترک و افتراق بین دو یا چند چیز است.

A: ham	shoma	xaste	na-sh-in
discourse marker	you	tired	NG ⁵ MP-become-2 SG-AG
not only you do not get tired			
A: ham	xod-eshoun	xaste	na -sh-an

۱- در مورد xar و بسیاری از بن افعال، برخی معتقدند که این عبارات ستاک وابسته bound stem هستند و برخی دیگر آنها را یک تکواژ آزاد و یک ریشه free morpheme/ root می دانند.

2-comparability function

3- compare

4- contrast

5-negative

discourse marker self-3dativePL tired NG.MP-become-3PL.-AG
but also they do not get tired

A: ham lebas mi-xa-m
discourse marker dress T¹ MP-want-1SG
not only I want dress

A: ham kafsh
discourse marker shoes
but also shoes

در این مثال وجه مشترک در واقع **نیاز داشتن** به کفش و **نیاز داشتن** به لباس است.

۵-۳- نشانه‌گر گفتمان *rasti*

این نشانه‌گر در زبان فارسی برای تغییر موضوع^۲ بکار می‌رود و با آهنگ خیزان همراه می‌شود. این نشانه‌گر می‌تواند در ابتدا، میان یا انتهای یک بند بکار رود. این تغییر موضوع می‌تواند به یک موضوع جدید یا یک زیر موضوع منتهی شود. بنابر این کاربرد اصلی این نشانه‌گر تغییر موضوع است.

A: ba Venus sohbat kar-d-am
with Venus talk did-past MP.-1SG.AG
I talked with Venus
pas Venus e ke bayad dars be-xune
so Venus is that should lesson T. MP.-study
So that is Venus who should study lesson.

A: *rasti* bara chiz che kar
discourse marker for discourse marker what work

1-tense
2- topic shift

by the way, what did you do for..

kar-d-in bara jaryan-e poul....
 did-past MP.-2SG for process-of money
 did for process of money

What did you do for process of money?

در برخی موارد این نشانگر به همراه گروه فعلی ^۱ "mi gam" بکار می رود تا جهت موضوع را تغییر دهد. این گروه فعلی از نظر تحت اللفظی به معنای I say است.

در مثال زیر دو دوست در حال صحبت کردن در مورد شخص ثالثی هستند که شخص اول با گفتن این نشانگر به همراه این گروه فعلی موضوع بحث را تغییر می دهد.

A: diruz Amir ro did-i?
 yesterday Amir AC.case saw-2SG.AG.
 Did you see Amir yesterday?

B: are salam resun-d ketab-et ham dad.
 ya hello send-past MP. book-Poss.² case also gave-Z.MP
 Ya, he send hello (to you) and also gave your book.

A: rasti migam emtehan e farda ro xun-d-i
 discourse marker exam of tomorrow Ac. case study-P.MP³-
 2SG.AG
 Did you study exam of tomorrow?

۵-۳-۱ - تغییر موضوع با حفظ روابط همپایگی

گاهی موارد *rasti* موضوع را به طور کامل تغییر نمی دهد بطوری که احساس می شود یک نوع رابطه معنایی بین قسمت اول و دوم گفتمان وجود دارد. در واقع از آنجا که تغییر جهت از موضوع به طور کامل صورت نگرفته است و بین پاره گفتارها یک نوع حالت موازی معنایی^۴ احساس می شود می توان گفت رابطه همپایه ای^۵ بین قسمتهای مختلف گفتمان وجود دارد. مثال زیر

-
- 1-verbal phrase
 - 2-possessive case
 - 3-past morpheme
 - 4-semantically parallel
 - 5- paratactic relation

موضوع را بهتر نشان می‌دهد. در قسمت اول به کلاس انگلیسی اشاره می‌شود و در قسمت دوم با وجود نشانگر *rasti* موضوع کاملاً تغییر نکرده است و مجدداً به کلاس انگلیسی اشاره می‌شود.

A: xodet o Navid ke sargarm-in kelas-e engilisi
mi-ri-in

yourself and Navid that busy-be-2PL.AG class-EZ¹ English T.MP-
go- 2PL.AG

You and Navid are busy, you go to English class.

B: are term-e haftom-am.

ya term-EZ seventh-be-1SG.AG

Ya, I am in seventh term.

A: *rasti* mi-gam ?oun xanom-*a-y-e* dige ke hamsar-
a-shun

discourse marker that lady-PL.-MP²-EZ. other that husband-PL-
Poss. case-AG

By the way, those ladies whose husbands

daneshgah mi-ran che *kar* mi-kon-an

university T.Mp- go-3PL.AG. what work T.MP.-do-3PL.AG

go to university, what do they do?

?ouna ham kelas-e engilisi chiz-i mi-ran?

those also class-EZ English thing-indefinite article T.MP.-go-
3PL.AG

They also go to English class or something?

۱-EZ بین هسته اسم و possessor می‌آید. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به قمی‌شی ۱۹۹۷-۱۹۹۶ و معین زاده ۲۰۰۱.

۲- واج میا نجی: واجی است که بین دو واژه در زبان فارسی بکار می‌رود.

۲-۳-۵ - تغییر موضوع در انتهای پاره گفتار post signal topic shift

گاهی از این نشانگر در انتهای پاره گفتار استفاده می شود و همچنان باعث تغییر موضوع می شود.

A: che qadr e kollan?
how much be-1SG.AG totally?
How much is it totally?

B: panjaho noh dolar
fifty nine dollar
Fifty nine dollars.

A: panjaho noh dolar xob kaqaz male ?oun chize
fifty nine dollar well paper belong-1SG.AG that
something

Fifty nine Dollars, well paper belongs to that something.

rasti hala yad-am-?oumad male
discourse marker now mind-Poss.case-came1SG.-AG belong-
1SG.AG

daneshga-s
university-is-1SG.AG

By the way, now it came to my mind, it belongs to university.

۴-۵ - نشانگر گفتمان *xob*

xob در زبان فارسی دارای بسامد وقوع بالایی است و در بین اقشار مختلف جامعه به چشم می خورد یعنی در سبک‌های مختلف دیده می شود. هر چند نشانگرهای گفتمان در انسجام بخشیدن به متن کاربرد دارند و بررسی این که تا چه حد در سبک‌های مختلف دیده می شود تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد، با این حال از نظر نگارنده *xob* و آهان / اوهوم جزء پربسامدترین نشانگرها هستند که در اینجا به بررسی کاربرد آنها می پردازیم.

Receiving and Understanding the message ۱-۴-۵ – دریافت و درک پیام

این نشانگر در ابتدای پاره گفتار استفاده می‌شود تا به طرف مقابل بفهمانیم که پیامت را دریافت و درک کردیم. در واقع به هنگام استفاده از این نشانگر به طور همزمان دریافت پیام و درک آن را به طرف مقابل منتقل می‌کنیم.

A: mi-ri birun yek kilu sib be-xar.
 T.MP-go-2SG.AG. out one kilo apple IMP MP¹-buy
 (when) you go out, buy one kilo apple.

B: xob
 discourse marker

واضح است که شخص B با گفتن این نشانگر علاوه بر دریافت و درک پیام به شخص مقابل می‌فهماند که این کار را انجام خواهد داد. شاید بتوان گفت این نشانگر به این لحاظ منحصر به فرد است زیرا گویشور تنها با گفتن یک عبارت تک هجایی CVC سه کارانجام می‌دهد: دریافت پیام، درک پیام و تایید بر انجام آن. گاهی موارد تنها دو کاربرد نخست این نشانگر مد نظر است یعنی دریافت و درک پیام.

A: diruz gof-t²-i sib be-xar-am,
 yesterday told-past MP.2SG.AG. apple IMP MP- buy-
 1SG.AG.

Yesterday, you told me to buy apple(s).
 xar-id-am
 buy-past MP-1SG.AG.
 I bought.

B: xob
 discourse marker

l-imperative morpheme

۲- در مورد واژه **گفت** برخی معتقدند /t/ یک تکواژ ماضی سا ز است در نتیجه این واژه دارای دو تکواژ است. (به استثنای تکواژ صفر) اما برخی دیگر معتقدند در این عبارت یک نوع ملغمه سا زی (amalgamation) صورت گرفته است در نتیجه یک تکواژ محسوب می‌شود.

۵-۴-۲- تحریک برای ادامه سخن Stimulation to continue the speech

گاهی این نشانگر به عنوان یک ابزار انگیزشی بکار می رود تا طرف مقابل به سخن خود ادامه دهد. در این حالت می توان این نشانگر را معادل well در زبان انگلیسی دانست. این نشانگر گاهی با آهنگ خیزان بکار می رود.

A: diruz Ali ro did-am.
yesterday Ali AC.case saw- 1SG. AG.
Yesterday, I saw Ali.

B: xob?
discourse marker

۵-۵-۵- نشانگر گفتمان آهان / اوهوم ?ahan/?ohum

این نشانگر به لحاظ کاربرد به نشانگر خب شبیه است یعنی همانند خب می تواند به عنوان یک ابزار انگیزشی بکار رود تا طرف مقابل به صحبت کردن ادامه دهد. به علاوه برای نشان دان دریافت و درک پیام و حتی تایید آن نیز بکار می رود. این نشانگر بیشتر در سبک غیر رسمی بکار می رود.

۵-۵-۱- دریافت و درک پیام Receiving and Understanding the message

A: zang zadi dash-t-am
bell rang be(ASP)¹-past MP.-1SG. AG.
zarf mi-shos-t-am
dish(es) TMP-wash-past MP-1SG. AG.
(When) you rang a bell, I was washing dishes.

B: ?ohum eshkal na-dare
discourse marker problem NG. MP- has-Z.MP
?ohum , no problem.

1-aspectual marker

نشانگر جنبه ای برای بیان و نشان دادن زمان فعل بکار می رود.

در این مثال A در واقع علت دیر پاسخ دادن به زنگ در را بیان می‌کند و شخص B با گفتن این نشانگر به او می‌فهماند که علاوه بر درک پیام آن را تایید می‌کند.

۵-۲- Stimulation to continue the speech تحریک برای ادامه سخن

A: to park Ali ro did-am
in park Ali AC.case saw-1SG.AG.
I saw Ali in park.

B: ?ahan? xob chi goft?
discourse marker what told-Z.MP-3SG.AG.
Well, what did he say?

گاهی موارد عبارت اوهم در هنگام پاسخ دادن بکار می‌رود و معنای واژه بله را ایفا می‌کند. این حالت در سبک غیر رسمی دیده می‌شود.

A: qaza xor-d-i?
food eat-pastMP-2SG.AG.
Did you have food? (You ate food?)

B: ?ohum
Yes.

۵-۶- نشانه‌گر گفتمان حالا hala

این عبارت می‌تواند هم به عنوان یک نشانگر زمانی بکار رود و هم نشانگر گفتمانی باشد که معنای زمانی را ایفا نکند. در اینجا به حالت دوم آن می‌پردازیم. در این حالت این نشانگر باعث انسجام بین پاره‌گفته‌ها می‌شود بدون آن که معنای زمانی خاص خود را داشته باشد. این نشانگر در بسیاری از موارد برای گریز از ادامه سخن بکار می‌رود. حالتی را در نظر بگیرید که مادری (A) به فرزند خود (B) بگوید:

A: Shirin dars-a-t-o xun-d-i?
Shirin lesson-PL.-Poss.case- AC.case study-pastMP-2 SG.
AG.

Shirin, did you study your lesson?

B: hala.

در این مثال یا مثال‌های مشابه این نشانگر برای خاتمه دادن به سخن بکار می‌رود و درست عکس نشانگرهای گفتمان *خب* و *اوهوم* / *آهان* رفتار می‌کند. چنانچه در اینجا شیرین با گفتن این نشانگر علاوه بر آن که انسجام مطالب را حفظ می‌کند به مادر خود می‌فهماند که درس خود را هنوز نخوانده است و تمایلی به ادامه بحث در این مورد ندارد.

۶- نتیجه

نشانگر گفتمان ابزاری است که به گویشور کمک می‌کند تا ارتباط منطقی و انسجام لازم را در زبان حفظ کند. از اینرو وجود نشانگر گفتمان در زبان از ضروریات است و بدون آن گفتمان غیر واقعی به نظر می‌رسد. هر چند تعاریف متعددی برای این عبارت ارائه شده است، اما همگی بر ضرورت نشانگر گفتمان در زبان تاکید می‌کنند و آن را عامل حفظ انسجام بین پاره گفتارها می‌دانند. نشانگرهای گفتار به چهار دسته تقسیم می‌شوند. نشانگرهای گفتمان متنی، نشانگرهای گفتمان سازمانده در مکالمه، نشانگرهای گفتمان اولیه و نشانگرهای گفتمان نگرشی. نشانگرهای گفتمان کاربردهای متفاوتی دارند مانند فعال سازی مصداق مانند *چیز* در زبان فارسی، تحریک برای ادامه سخن مانند *خب* در زبان فارسی و *well* در زبان انگلیسی، تغییر موضوع مانند *راستی* در زبان فارسی و *by the way* در زبان انگلیسی، اصلاح مانند *oh* در زبان انگلیسی، نشان دادن احساسات مانند *oh* در زبان انگلیسی، فعال کننده مانند *right, all* *right, tag question ...* در زبان انگلیسی، دریافت و درک پیام مانند *خب و آهان / اوهوم* در زبان فارسی و غیره. این عبارات کوتاه نه تنها انسجام بین پاره گفتارها را حفظ می‌نمایند بلکه ابزاری هستند در جهت حفظ اصل اقتصاد در زبان.

منابع

- Bell, David, "*Mind you*" as a Cancellative Discourse Marker. **International Pragmatics Association**, 2004, www.google.com.
- Brown, Gillian, Yule, George, **Discourse Analysis**, New York, Cambridge University Press, 1989.
- Crystal, David, An Encyclopedic Dictionary of Language & Languages, USA, black well publishers, 1992.
- Katamba, Francis, **Morphology**, London, Macmillan Press LTD, 1993.
- Richards, Jack C and et al, **Dictionary of Language Teaching & applied Linguistics**, Longman group UK limited, 1992.
- Schiffrin, Deborah, **Discours Marker**, Cambridge: C.U.P. 1987.
- Schiffrin, Deborah, "*Oh as a marker of information management*", In Jaorski & Coupland, 1999, pp. 275-288.
- Sokouhi, Hossein, Kamyab, Ghodratollah, **Analyzing Discourse: Multivariant perspectives**, Ahvaz, Shahid Chamran University Press, 2004.
- Stubbs, Mathias, **Discourse Analysis**, Chicago, Chicago University Press, 1983.
- Ute, Stroh, Staab, Mathias, **Discourse Markers**, 2005, www.google.com.
- Waring, Hansun Zhang**, "*Also' as a Discourse Marker: It's Use in Disjunctive and Disaffiliative Environments*", **Discourse Studies**, 2003, vol. 5, No. 3, pp.415-436.